



قصه رضا اسماعیلی خلی عجب و غریب است. در یک کلام روضه امام حسین (ع) است و عین به عین طوری است که تداعی واقعه کربلاست، آن وقتی که می بینید یک جوان امروزی عادی که مثل همه عشق موتور و عشق بدن سازی و عشق تفریح با رفقا است و یکسره جلو آینه است! یک رفاقت با شخصیتی مثل ابوحامد او را قاطی داستان فاطمیون می کند و در خلال این رفاقت و آشنایی با فاطمیون با ابوحامد را قانع می کند که همراه او به سوریه برود

آقای باغشنی ساخت که «ابوسه نقطه» نام دارد. به خاطر دارم رونمایی مستند در مسجد الزهرا خیابان احمدآباد مشهد بود. جمعیت زیادی آمده بودند که بیشتر خانمها بودند. کار که پخش شد، از قسمت خواهران سروصدایی بلند شد و متوجه شدیم سه چهار نفری از حال رفتند! ما دستمان باز بود که سکانس پایانی را خیلی آگزره تر هم در بیاوریم ولی سعی کردیم یکپارچگی کار حفظ شود و با این همه، چنین واکنش های عجیبی گرفتیم.

البته طبیعی هم بود، قصه رضا اسماعیلی خیلی عجیب و غریب است. در یک کلام روضه امام حسین (ع) است و عین به عین طوری است که تداعی واقعه کربلاست، آن وقتی که می بینید یک جوان امروزی عادی که مثل همه عشق موتور و عشق بدن سازی و عشق تفریح با رفقا است و یکسره جلو آینه است! یک رفاقت با شخصیتی مثل ابوحامد او را قاطی داستان فاطمیون می کند و در خلال این رفاقت و آشنایی با فاطمیون با ابوحامد را قانع می کند که همراه او به سوریه برود. پس از آن طولی نمی کشد که فرمانده می شود و تعدادی نیرو را هدایت می کند تا اینکه خیلی زود آن واقعه خاص برایش اتفاق می افتد و می شود «ذبیح فاطمیون» مانند آنچه بر محسن حججی گذشت.

بد نیست اشاره کنم حدود دو، سه سال پیش، یکی از دوستان، شهید رضا سنجرانی را در خواب می بیند. می گفت در خواب دیدم رضا مانند وقتی کنار ما بود، حسابی شوخ و شنگ و باصفا و حتی خیلی وقت ها طنزناز بود. از او پرسیدم رضا چه می کنی؟ اوضاعت چگونه؟ چه کار می کنی؟ و شهید سنجرانی گفت: «خیلی خوبه حاجی! همه اینجا دور هم جمعیم! فرماندمون هم رضا اسماعیلیه».

◀ برای دیگر شهدای فاطمیون هم کاری ساخته شد؟
حین انجام پروژه های مستند فاتح و ابوحامد، با سید

محمدحسن حسینی معروف به «سیدحکیم» چندین بار صحبت کرده بودم. از او جویای آرشیوها و چیزهای مختلفی بودم که برای ساخت کار به آن نیاز داشتیم. پس از شهادتش، فیلمی از سیدحکیم به دست ما رسید که او داشت لحظات شهادت سید رضا اسماعیلی را با جزئیات تعریف می کرد. می توانم بگویم یکی از حسرت هایم در ساخت مستند برای شهدای فاطمیون، مربوط به همین آرشیواست که البته ما این بریده فیلم را بعدتر در مستند «نه کوچک نه بزرگ» استفاده کردیم، ولی طبعاً حیفا شد در جای خودش نبود و به مستند شهید اسماعیلی نرسید.

مهدی صابری هم که شهید شد، به سرعت اعلام شد کار مستند او را کلید بزنیم. شهید صابری از این جهت خیلی خاص است که مظلوم مانده و کم شناخته شده، با اینکه به اصطلاح خودمان خیلی نوربالا و معنوی و عارف بود. حتی می توانم بگویم پدر و مادر متدین و بسیار انقلابی او خود سوژه یک مستند هستند و این ها بود که شهیدی مانند مهدی صابری را ساخت. او از قم اعزام شده بود و خیلی زود در میان رزمندگان لشکر فاطمیون محبوب شد. نقل است که حاج قاسم عزیز و شهید بادپا بسیار به او علاقه پیدا کردند. این کار را به عزیزی مستندساز در قم به نام آقای مهدی حجت پناه سپردیم که در ۴۰ دقیقه خروجی آن کار با نام «بالای بالای ابرها» حاصل شد. ناگفته نماند ما دو شهید را هم داریم که امکان ساخت هیچ اثری برایشان نبود، از شهید حسینی و شهید کلانی سر جمع ۱/۵ دقیقه فیلم در منطقه موجود است! این بود که نمی شد دست روی ساخت مستند برایشان گذاشت.

◀ اثر دیگری هم هست که به آن بخواهید اشاره کنید؟

مستند «پسرم» درباره شهید محمدرضا خاوری معروف به «حجت» است. ما که در گروه رسانه فاطمیون شروع به کار کردیم، او به اطلاعات عملیات منتقل شده بود و چندی بعد